

اجتماعات گیاهی پارک ملی کلاه قاضی

سید جمال الدین خواجه الدین^۱

چکیده

در این طرح اجتماعات گیاهی پارک ملی کلاه قاضی بررسی شده است. پارک ملی کلاه قاضی در ۳۶ کیلومتری جنوب اصفهان واقع شده و از تنوع گیاهی و جانوری زیادی برخوردار است. در این مطالعه ۲۱۴ گونه گیاهی جمع آوری شد. اجتماعات گیاهی پارک از نوع اجتماعات مناطق خشک است. با استفاده از روش کوادرات‌های داخل هم، حداقل سطح اجتماعات پارک مطالعه شد، و با استفاده از منحنی گونه به سطح، کوادرات ۱۰۰ متر مربعی برای جمع‌آوری داده‌های تاج پوشش و تراکم هر گونه و تعیین مقدار سنگ، سنگ ریزه و لاش برگ انتخاب گردید. برای تعیین اجتماعات، از روش اوردیناسیون برای آنالیز داده‌ها استفاده شد.

تاج پوشش گیاهی در این پارک کم و از صفر تا حداکثر پنج درصد متغیر است. اجتماعات گیاهی اصلی پارک را گونه‌های ذیل تشکیل می‌دهند: *Pteropyrum aucheri*, *Artemisia sieberi*, *Anabasis aphylla*, *Acantholimon* spp., *Cousinia piptocephala*, *Scariola orientalis* و *Ebenus stellata*. این گونه‌ها با دیگر گونه‌ها، اجتماعاتی را تشکیل می‌دهند. رویشگاه‌هایی به صورت موزاییک وجود دارد که باعث تشکیل اکوتون‌ها و افزایش تنوع اجتماع گیاهی در پارک می‌شود. اجتماعات گیاهی آب دوست در کنار چشمه‌سارها گسترش محدودی دارند. اکثر اجتماعات پارک از عامل ادافیک متأثر شده‌اند، و عامل بیولوژیک در سطح محدودی مؤثر بوده است. گونه‌ای *Ficus* sp. در پارک وجود دارد، که احتمال دارد گونه یا وارسته جدیدی باشد.

واژه‌های کلیدی: اصفهان، پارک ملی کلاه قاضی، اکولوژی گیاهی، اجتماعات گیاهی، اوردیناسیون

مقدمه

پارک ملی کلاه قاضی^۲ در ۳۶ کیلومتری جنوب اصفهان، در شرق جاده اصفهان - شهرضا واقع شده و ۴۶۴۴۸ هکتار مساحت دارد. در این پارک معادن سنگ لاشتر با مساحت ۳۱۸۹ هکتار، پناهگاه حیات وحش است (۶)، و به علت تنوع گونه‌های پستان‌دار بزرگ مثل آهو، بز کوهی و غیره، از دیر زمان مورد توجه حکام و پادشاهان اصفهان بوده است (۱ و ۷). تنوع

۱. استادیار مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی اصفهان

۲. در این مقاله پارک ملی کلاه قاضی «پارک» نامیده شده است.

جدول ۱. مساحت سطح حداقل برخی از اجتماعات گیاهی پارک ملی کلاه قاضی

اجتماع گیاهی	تعداد گونه‌های یادداشت شده در کوادرات‌های داخل هم	مساحت سطح حداقل (m ²)
<i>Acantholimon spp.</i>	۳۳	۸۲
<i>Ebenus stellata</i>	۳۸	۸۰
<i>Artemisia sieberi</i>	۳۵	۷۶
<i>Pteropyrum aucheri</i>	۲۵	۵۸
<i>Stipagrostis plumosa</i>	۱۵	۳۴
<i>Peganum harmala</i>	۱۹	۲۵
<i>Anabasis-Artemisia</i>	۱۰	۲۰
<i>Anabasis aphylla</i>	۴	۱۸

commosum اصلاً رویشگاهی یافت نشد. به هر صورت این گونه‌ها به بررسی بیشتری نیاز دارند تا در این مورد نظر قطعی داده شود.

ارتفاعاتی که خاک شیرین دارند، دارای اجتماعات کوه سری با تنوع گونه‌ای زیاد هستند. اما در دشت که خاک از جنس رس و نسبتاً شورتر می‌باشد (۱۲)، تنوع گونه‌ای کاهش یافته است. بهترین مثال، اجتماع *Anabasis aphylla* است که در سطوح وسیع به صورت اجتماع تک گونه‌ای خالص درآمده است.

تاج پوشش گیاهی در این پارک بسیار کم و ناچیز است، و از آن جایی که این پارک مدت‌ها است به صورت قرق بوده و دام اهلی از آن خارج شده است (۱، ۶ و ۱۰)، وضعیت موجود تقریباً توان منطقه را نشان می‌دهد.

بحث

رویشگاه پارک ملی کلاه قاضی تغییرات تدریجی را از ارتفاعات تا دشت به همراه دارد. همین نکته باعث استقرار گونه‌ها در محل‌های مختلف و به صورت داخل هم می‌گردد. تغییرات تعداد گونه‌ها در اجتماعات گیاهی در رویشگاه‌های مختلف، به شدت متأثر از عوامل خاک و مصرف کننده‌های گیاهی است. بررسی منحنی‌های گونه به سطح در اجتماعات مختلف،

و سنگ‌ریزه ذکر شده است. در این جدول واحدهای زمین‌شناسی و نیز ژئومورفولوژی، که اجتماع مورد نظر روی آن مستقر می‌شود، ذکر گردیده است.

از بین نمونه‌های جمع‌آوری شده، گونه‌ای انجیر *Ficus sp* در منطقه می‌روید که میوه آن گلابی شکل و سیاه رنگ است و نیاز به مطالعه بیشتری دارد، و احتمالاً گونه یا واریته جدیدی است. برخی از گونه‌های گزارش شده از منطقه پارک ملی کلاه قاضی (۱ و ۲)، به منظور مطالعه اجتماعات و رویشگاه آنها به طور ویژه مورد پی‌گیری و جستجو قرار گرفت، اما اثری از آنها یافت نشد. احتمال دارد این گونه‌ها نادر و یا در حال انقراض باشند. اسامی این گونه‌ها عبارتند از: *Iris songarica*، *Calligonum commosum*، *Tulipa chaysantha*، *Zygophyllum atriplicoids*، *Clematis orientalis* قابل ذکر است که سال قبل از این مطالعه، باران کمتری در منطقه باریده بود. بنابر گزارش‌های موجود، برخی از گونه‌ها وقتی در سال قبل باران کمتری دریافت می‌کنند، اصلاً سبز نمی‌شوند (۱۴). با توجه به این نظریه، دو گونه اول و دوم که تک لپه‌ای بوده و جزو Geophytes هستند، احتمالاً در سال مطالعه سبز نشده‌اند. اما سه گونه دیگر جزو درختچه‌ها بوده و به طور واضح قابل مشاهده می‌باشند. به خصوص برای گونه *Calligonum*

متمادی، اجتماعات متفاوتی را تشکیل داده‌اند. تعدادی از آنها رویشگاه خاصی را انتخاب کرده و جوامعی را تشکیل می‌دهند. برخی از گونه‌ها نیز رویشگاه وسیعی را انتخاب کرده‌اند، و تقریباً در اکثر اجتماعات وارد شده‌اند. این گونه‌ها از نظر جامعه‌شناسی گیاهی ارزشی ندارند و برای تشخیص اجتماعات گیاهی از آنالیز حذف می‌شوند. در این بررسی گونه‌های زیر در اکثر رویشگاه‌ها و همراه اجتماعات مختلف مشاهده شد، که در آنالیز اوردیناسیون وارد نشد.

Bromus danthoniae (Poaceae), *Bromus tectorum* (Poaceae), *Boissiera squarrosa* (Poaceae), *Gaillonia bruguieri* (Rubiaceae), *Cirsium spectabilis* (Astraceae)

گونه‌های دائمی *Gaillonia bruguieri* در ۸۳٪ سری کوادرات‌ها ظاهر شده، به طور معمول در اجتماع *Artemisia* وارد می‌شود و تاج پوششی خوبی پیدا می‌کند. این گونه در اجتماع *Anabasis* نیز دیده می‌شود، ولی تراکم و پوشش کمتری دارد، و در اکثر رویشگاه‌های کلاه قاضی، بجز بر روی صخره سنگ‌ها که به صورت نادر حضور دارد، هم می‌روید. در سری کوادرات‌های اجتماع *Pteropyrum* و *Pycnocycla* نیز به مقدار ۰/۴۱ متر مربع در ۱۰۰ متر مربع مشاهده شد. در کل منطقه مورد مطالعه، به طور میانگین ۰/۱ متر مربع در ۱۰۰ متر مربع پوشش دارد، و تراکم آن در این حالت به ۴۷/۵ بوته در ۱۰۰ متر مربع می‌رسد. دام به این گونه گیاهی علاقه زیادی دارد. از آن جایی که فقط شاخه‌های روی زمین خوابیده این گیاه در پارک مشاهده شد، به نظر می‌رسد که حیوانات وحشی از شاخه‌های ایستاده آن به وفور چرا می‌کنند.

پس از تحلیل اوردیناسیون، اجتماعات مختلف تعیین شد و فهرست ترکیب گونه‌ها و مقدار پوشش آنها در اجتماعات ارائه گردید (جدول ۲). علاوه بر اجتماعات معرفی شده، دو گروه اجتماع گونه‌های درختی و درختچه‌ای و اجتماعات اطراف چشمه‌سارها نیز به صورت نقطه‌ای، و یا در سطح بسیار محدود حضور دارند، که کوادرات‌گذاری نشده‌اند. بیشترین سطح منطقه از اجتماعات مختلف زیر پوشیده شده است:

مساحت‌های سطح حداقل را با تغییراتی از ۱۸ تا ۸۲ متر مربع نشان داد. عامل اصلی تغییرات، تعداد گونه‌های ظاهر شده در این کوادرات‌ها بود.

بررسی اجتماعات گیاهی مناطق خشک کشور توسط نگارنده، مساحت سطح حداقل را در منطقه جازموریان ۴۰۰ متر مربع برآورد کرده است (۱۳ و ۱۶). علت کوچک بودن مساحت سطح حداقل در پارک، تراکم زیادتر جمعیت گیاهی و نیز کوچک‌تر بودن اندازه گیاهان، نسبت به منطقه جازموریان است. پس از بررسی منحنی‌ها، کوادرات ۱۰ × ۱۰ متر با مساحت ۱۰۰ متر مربع برای مطالعه انتخاب شد. بزرگ بودن کوادرات مطالعه فقط کار صحرایی را افزایش می‌دهد، ولی داده‌های بیشتر و دقیق‌تری را جمع‌آوری می‌کند، به ویژه، تکرار پنج مرتبه آن اطلاعات بهتر و همگنی را برای آنالیز تهیه می‌نماید.

در این بررسی تاج پوشش گیاهی اندازه‌گیری شده به ندرت به پنج درصد می‌رسد، و به طور معمول از یک تا سه درصد متغیر است. تاج پوشش در ارتفاعات بهتر از دشت‌ها است، به طوری که تاج پوشش *Artemisia* در ارتفاعات ۴/۵ درصد بوده و در دشت‌ها به ندرت از سه درصد تجاوز می‌کند.

تنک بودن پوشش گیاهی نیز خود عاملی برای گسترده‌تر بودن مساحت حداقل سطح است. در مواردی هم تاج پوشش اندازه‌گیری شده حدود ۰/۲ درصد بوده، که در اجتماع *Cousinia* مشاهده شد. به علت خشک‌سالی در سال قبل از این مطالعه، گونه‌های یکساله به ندرت روئیده بودند، و با توجه به شناختی که از پوشش منطقه در دست بود، تقریباً تاج پوشش یکساله‌ها ناچیز و یا در مواردی صفر بود. گونه‌های یکساله در سطوحی که تجمع املاح در آنها وجود دارد استقرار نمی‌یابند، به خصوص در بخش دشتی پارک که اجتماع *Anabasis aphylla* به صورت اجتماع تک گونه حضور دارد، یکساله‌ها غایب هستند.

گونه‌های مختلف گیاهی در این پارک می‌رویند، و متناسب با نیاز اکولوژیک خود و مدیریت اعمال شده در طی سالیان

می‌شود، و شرایط رویشگاه برای استقرار هر دو گونه به صورت موزاییک مناسب است، یعنی در این محل نسبت به اجتماع *Anabasis* املاح کمتری تجمع کرده است. لذا گونه درمنه نیز توانسته در آن مستقر گردد.

اجتماع *Artemisia-Acantholimon- spp*: در واریزه کوه پایه‌ها، در اراضی سنگلاخی به طرف دشت‌ها مستقر شده است، و اکوتون اجتماعات این دو گونه محسوب می‌گردد. این در شرایطی است که در اطراف این اجتماع، اجتماع گونه دوم هم حضور ندارد، و رویشگاه به قدری مشخص است که از ترکیب گونه‌ها و رویشگاه می‌توان اکوتون بودن آن را تشخیص داد. گونه دوم ممکن است در محل‌های مختلف به شکل ترکیب و یا یکی از سه گونه زیر باشد:

Acantholimon aspadanum

Acantholimon leucacanthum

Acantholimon scorpius

این سه گونه، دارای رویشگاه مشابهی هستند و گاهی هم به اتفاق سبز می‌شوند.

اجتماع *Artemisia-Stipagrostis plumosa*: دارای گونه‌های همراه معدودی است و در خاک‌های نسبتاً شنی مستقر می‌شود. اجتماع *Artemisia-Launaea acanthodes*: در شرق پارک پراکنده است. از بررسی‌های مسلمی (۱۲) چنین برمی‌آید که کاهش مقدار سدیم خاک، که به راحتی در خاک‌های شنی حاصل می‌گردد، باعث استقرار گونه دوم می‌شود.

اجتماع *Artemisia-Scariola orientalis*: در رویشگاه مشابه درمنه مستقر می‌گردد، که در آن شن و رس افزایش یافته و مقدار سیلت کاهش پیدا می‌کند. بدین صورت مقدار سدیم، و به دنبال آن هدایت الکتریکی خاک کاهش می‌یابد. گونه دوم در شرایطی که آب بیشتر در اختیار باشد مستقر می‌گردد، در دشت‌ها و آبراهه‌ها که سیلاب ارتفاعات به این مناطق می‌رسد، دیده می‌شود. ترکیب گونه‌ها مشابه بقیه اجتماعات درمنه بوده، ولی علاوه بر گونه دوم، *Eryngium billardieri* و *Pycnocycla spinosa* نیز در آن زیاد است. از نکات جالب گونه غالب دوم،

Artemisia, Anabasis, Acantholimon, Pteropyrum, Zataria و *Ebenus*. بقیه اجتماعات در سطوح محدود حضور دارند. همه جوامع جزو رویش گیاهی ایران و توران دشتی می‌باشند، بجز *Ebenus* که به رویش گیاهی خلیج و عمانی (۴) تعلق دارد. در ذیل، اجتماعات مختلف پارک به طور مختصر توضیح داده می‌شود، که اطلاعات مربوط به آنها در جداول ۲ و ۳ گنجانیده شده است. در پارک، ۴۵ اجتماع گیاهی مطالعه گردیده که ۳۸ مورد آن در این مقاله توضیح داده می‌شود.

اجتماع درمنه (*Artemisia*): گونه اصلی این اجتماع *Artemisia sieberi* از گونه‌های دایمی و بوته‌ای منطقه است و در پارک به وفور یافت می‌شود. در دشت‌ها، و نیز در ارتفاعات، فقط در محل‌های مسطح و عاری از صخره سنگ مستقر می‌گردد، و در ارتفاعات کوه کلاه قاضی در نزدیکی قله می‌روید. یکی از اجتماعات اصلی است، و با دیگر گونه‌ها اجتماعاتی را نیز تشکیل می‌دهد. این اجتماع در محل‌هایی مستقر می‌شود که خاک دارای بافت شنی لومی بوده و املاح کمتری در آن جمع شده باشد. خاک‌های مرطوب و بدون مشکل املاح در مسیل‌ها قرار گرفته، که اجتماع *Pteropyrum* در آن مستقر می‌شود، ولی با شورتر و خشک شدن، درمنه جای آن را می‌گیرد. تاج پوشش گیاهی در تیپ‌های مختلف از ۷/۰ تا ۱/۳ درصد متفاوت است. این اجتماع در مناطق مختلف با همراهی گونه غالب دوم، اجتماعات را تشکیل می‌دهد که در اثر تغییرات خاک حاصل می‌شود. در جدول‌های ۲ و ۳ مشخصات رویشگاه و اطلاعاتی از اجتماع درمنه ذکر شده است. در زیر نیز به نکاتی از این اجتماعات اشاره می‌شود.

اجتماع *Artemisia-Aellenia auricula*: گونه دوم در دشت‌ها به صورت گونه نادر است، ولی در ارتفاعات اجتماع با درمنه را تشکیل می‌دهد. جهت شیب رویشگاه این اجتماع در پارک، جنوب شرقی، جنوب غربی، شمال و شمال شرقی است.

اجتماع *Artemisia-Anabasis aphylla*: شباهت زیادی به اجتماع *Anabasis-Artemisia* دارد. این اجتماع در بین دو اجتماع *Artemisia sieberi* و *Anabasis aphylla* تشکیل

۴/۱ میلی اکریوالان در لیتر و مقدار پتاسیم آن ۳۱۲ ppm بوده و آهک آن نسبت به دیگر اجتماعات کمترین مقدار را دارا است. مقدار رس در این رویشگاه زیاد بوده و به ۷/۲ درصد بالغ می‌گردد. شن ۶۶/۳٪ و سیلت ۲۶/۵٪ است، که رس و سیلت آن حداکثر مقدار و شن کمترین مقدار را در بین دیگر رویشگاه‌های اجتماعات دارد. سدیم نیز حداکثر بوده و شورترین اراضی پارک محسوب می‌شود. مقدار لاش‌برگ نسبت به بقیه اجتماعات زیادتر است و به ۱/۷ درصد تا ۲/۱ درصد می‌رسد. بوته‌ها در این اجتماع پراکنده‌اند، ولی حجم هر بوته نسبت به گونه‌های دیگر بیشتر است. دیگر اجتماعات آن عبارتند از:

اجتماع *Anabasis-Acantholimon*: در شمال پارک مستقر است و به علت سنگلاخی بودن رویشگاه، گونه دوم مستقر و غالب شده است. در این رویشگاه املاح از ارتفاعات به طرف پایین حمل و شرایط استقرار گونه اول فراهم گردیده و تجمع لاش‌برگ در زیر *Anabasis* به وفور دیده می‌شود. هر سه گونه فراوان *Acantholimon* در این اجتماع یافت می‌شود.

اجتماع *Anabasis-Artemisia*: یکی از اکوتون‌های این پارک است که در محل‌های نسبتاً زیادی که شرایط حاشیه رویشگاه‌های دشت همراه با تجمع املاح برای گونه اول و دشت سر برای استقرار گونه دوم مساعد است، دیده می‌شود. در این رویشگاه با تغییر کمی، اجتماع *Artemisia-Anabasis* مستقر می‌شود، که اکوتون دیگری از دو اجتماع اصلی است.

اجتماع *Anabasis-Stipagrostis*: در سطح محدودی مستقر است و تاج پوشش ضعیفی دارد. این اجتماع اکوتون دو اجتماع اصلی آن است. به علت پراکنده بودن گیاهان، فقط به تهیه فهرست گونه‌ها اکتفا شد.

اجتماع *Acantholimon*: این جنس با سه گونه، در منطقه اجتماعات مختلفی را تشکیل می‌دهد، یا در تشکیل اجتماعات شرکت می‌کند. سه گونه عبارتند از: *Acantholimon leucacanthum* و *Acantholimon aspadanum* و *Acantholimon scorpius*. این گونه‌ها کم و بیش رویشگاه

انجام فتوستتاز از طریق نوارهای سبز روی ساقه‌هاست. لذا برگ‌های کوچک و زود افت آن تأثیری در کاهش فتوستتاز ندارد. از طرفی، استفاده حیوانات وحشی از شاخ و برگ آن خللی در رشد گیاه وارد نمی‌سازد.

اجتماع *Artemisia-Peganum harmala*: نشان‌دهنده تخریب و اعمال فشار چرا در گذشته است. گونه دوم مهاجم بوده و مورد استفاده دام‌های اهلی و وحشی قرار نمی‌گیرد، لذا به سرعت در حال گسترش است. به همین دلیل این اجتماع، یک اجتماع بیولوژیک است.

اجتماع *Artemisia-Ephedra intermedia*: فقط در بخش جنوبی پارک یافت می‌شود. ترکیب گونه‌های آن شبیه اجتماع درمنه است.

اجتماع *Artemisia-Cousinia piptocephala*: با سطح محدود یافت می‌شود. گونه دوم برگ‌های کوچک و پیچ خورده دارد که به راحتی قابل شناسایی است. گونه دوم اجتماع تشکیل می‌دهد و این اجتماع، اکوتون آن با درمنه است. گونه دوم به علت خاردار بودن، مورد توجه حیوانات وحشی نیست، لذا بذر آن به راحتی پراکنده و مستقر می‌شود. به همین دلیل، به نظر می‌رسد در آینده این اجتماع گستردگی بیشتری پیدا می‌کند.

اجتماع *Artemisia-Stipa barbata*: که در مواردی هم *Stipa parviflora* به صورت گونه دوم است. تنوع گونه‌ای در آن بالاست، اما تعدادی از گونه‌ها فقط با تاج پوشش ناچیز یافت می‌شوند، در حالی که دیگر گونه‌ها در این اجتماع تولید زیاد و تاج پوشش قابل توجهی دارند.

اجتماع *Anabasis*: این اجتماع در منطقه غالب بوده و در سطح چشم‌گیری مستقر شده است. گونه اصلی آن *Anabasis aphylla* است، که در دشت‌ها فراوان و در ارتفاعات نادر است. رویشگاه آن هرگز سنگلاخی و صخره سنگی نیست، و معمولاً به صورت اجتماع تک گونه‌ای غالب است. شیب رویشگاه آن صفر تا دو درصد بوده، و جهت جغرافیایی بر آن اثری ندارد. بنا به بررسی‌های مسلمی (۱۲)، بافت خاک این اجتماع لومی - شنی است، و سدیم در خاک‌های این اجتماع

کم خاک است، مستقر می‌شود. این رویشگاه برفگیر است، و در آن اجتماعات درختچه‌های بزرگ مثل: *Pistacia atlantica*، *Ficus spp.*، *Ficus carica var. Rupestris*، *Ficus carica var. Johannis* و *Pistacia khinjuk* هم مستقر می‌گردند. گونه‌های اخیر سطح ناچیزی را پوشانده‌اند که به صورت نقطه‌ای مشاهده می‌شود. این وضع نشان دهنده اعمال تخریب شدید بر این اجتماعات است. حضور حدود ۲۵۰ چاه زغال‌گیری قدیمی در پارک مؤید این گفتار است. به طوری که قبلاً اشاره شد، نوعی انجیر در پارک سبز می‌شود که به بررسی بیشتر برای تعیین نوع گونه یا واریته نیاز دارد. انجیر در اکثر نقاط پارک در روی ارتفاعات صخره سنگی می‌روید. در چند نقطه همراه با *Pteropyrum* مشاهده شد. قطر درختان انجیر در مواردی تا ۱۵ سانتی‌متر نیز بالغ می‌گردد.

اجتماع *Cousinia piptocephala*: در رویشگاهی که به صورت پشته‌ای در بین دو آبراهه بزرگ قرار گرفته، می‌روید و رطوبت کمتری دریافت می‌کند. این اجتماع به علت خاردار بودن، مورد توجه حیوانات وحشی نیست و در حال گسترش است. مهم‌ترین اجتماع آن عبارت است از:

اجتماع *Cousinia-Peganum*: در نزدیکی اجتماع *Artemisia* قرار گرفته، و با توجه به رویشگاه و ترکیب گونه‌ها، به نظر می‌رسد در اثر تخریب گونه‌های اصلی اجتماع درمنه، گونه دوم در محل استقرار و اجتماع حاضر شکل گرفته است. قابل توجه است که گونه اول خاردار بوده و مورد توجه حیوانات وحشی نمی‌باشد.

اجتماع *Convolvulus-Cousinia*: که گونه غالب اول آن *Convolvulus leiocalycinus* و گونه دوم غالب آن *Cousinia piptocephala* است. هر دو گونه فوق در جاهای مختلف پارک همراه دیگر اجتماعات می‌روید. خود نیز به تنهایی اجتماعی را تشکیل داده است، و نسبت به رویشگاه اجتماع *Cousinia piptocephala*، آب بیشتری دریافت می‌کند. مسلمی (۱۲) یافت خاک آن را لومی - شنی گزارش کرده، که مقدار سدیم و EC آن بیشتر از اکثر اجتماعات، ولی کمتر از رویشگاه درمنه

مشابهی را انتخاب می‌کنند. تفکیک اجتماعات این سه گونه، به علت کوچک بودن سطح و مقیاس مطالعه مقدور نبود. این اجتماعات در کوه‌پایه‌ها بر روی واریزه‌ها سبز می‌شوند. رویشگاه این اجتماع، سنگ‌های درشت زیاد دارد. مهم‌ترین اجتماع آن عبارت است از:

اجتماع *Acantholimon-Artemisia*: دارای گونه دوم *Artemisia sieberi* است، که در پارک فراوان است. گونه اول در دشت سر، و گونه دوم در محل‌هایی که از مقدار سنگ کاسته شود و مقداری خاک لخت برای استقرار این گونه حاصل شود، حضور دارد. از نظر اجتماع و ترکیب گونه، نسبتاً غنی از گونه بوده و گونه‌های هر دو اجتماع اصلی را داراست. گونه دوم به صورت موزاییک در داخل گونه اول مستقر شده است.

اجتماع *Alhagi camelorum*: اجتماع تک گونه‌ای است، که در مکان‌هایی که خاک عمیق و حاصل‌خیز و رطوبت آن زیاد باشد، مستقر می‌شود. کواترات گذاری در این اجتماع صورت نگرفت، زیرا سطح آن در پارک محدود بود.

اجتماع *Stipagrostis plumosa*: در خاک‌های سبک شنی مستقر می‌گردد، زیرا بذر آن به راحتی وارد این خاک‌ها می‌شود. در مسیل‌ها که شن زیاد است حضور دارد. گونه اصلی این اجتماع همراه دیگر اجتماعات نیز یافت می‌شود. این اجتماع فقیر از گونه بوده و در مواردی هم اجتماع تک گونه تشکیل می‌دهد. اجتماع آن عبارت است از:

اجتماع *Stipagrostis-Cousinia*: در جنوب پارک در داخل مسیل‌ها مشاهده گردید. اجتماع گونه اول از نظر تنوع گونه‌ای بسیار ضعیف است، ولی ترکیب گونه‌ای آن شباهت بیشتری به اجتماع *Cousinia* دارد. این اجتماع با گسترش شن در منطقه احتمال توسعه دارد، و تاج پوشش آن ضعیف است.

اجتماع *Amygdalus*: با دو گونه *Amygdalus haussknechtii* و *Amygdalus lycioides* در روی صخره سنگ‌ها مستقر می‌شود، و جزو اجتماعات کوه سری است. به صورت اجتماع پراکنده در ارتفاعات می‌روید، که گونه‌های همراه آن فهرست شده است. در شیب‌های تندتر از ۱۰۰٪، و فقط در شکاف صخره سنگ‌ها که

Amygdalus خاک لای صخره سنگ‌ها را برای استقرار انتخاب می‌کند.

اجتماع *Launaea acanthodes*: در غرب پارک در سطح وسیع می‌روید. بررسی‌های مسلمی (۱۲) نشان می‌دهد که این اجتماع در زمین‌های شنی مستقر می‌شود، رس خاک حدود ۳٪ و لوم آن حدود ۶٪ است. املاح سدیم و EC رویشگاه آن باید در حد پایینی باشد.

اجتماع پرند *Pteropyrum aucheri*: در مسیل‌ها مستقر است. این اجتماع در واحدهای کوچکی ظاهر می‌شود، و در مناطق مختلف پارک گسترده است. به علت دسترسی به آب، اندازه گیاهان این اجتماع بزرگ است. بنا به بررسی مسلمی (۱۲)، این رویشگاه کمتر از ۱٪ رس، حدود ۸٪ لوم و ۹۱٪ شن دارد. بدون مشکل شوری بوده، سدیم آن ناچیز و EC آن ۰/۴۵ میلی‌موس بر سانتی‌متر است. میانگین کلسیم و منیزیم این خاک‌ها ۶/۷ میلی‌اکی والان در لیتر است، و میزان تاج پوشش گونه اصلی با افزایش میزان آهک خاک گسترده‌تر می‌شود (۱۲). اجتماع *Peganum harmala*: اجتماعی بیولوژیک است که در اثر تخریب اجتماع درمنه، در رویشگاه آن مستقر می‌شود، و چون مورد توجه حیوانات وحشی قرار نمی‌گیرد، با سرعت گسترش می‌یابد. در اجتماعات تخریب یافته دیگر نیز، که رویشگاه آنها مشکل تجمع املاح نداشته باشد، مستقر می‌گردد. پس هرگز در رویشگاه *Anabasis* استقرار نمی‌یابد. در حالت گسترده، تک اجتماع گونه‌ای ایجاد می‌کند که حدود ۲۴ هکتار مساحت دارد. کوادرات‌گذاری در این اجتماع انجام نگرفته است. مهم‌ترین اجتماع آن عبارت است از:

اجتماع *Peganum-Scariola orientalis*: که در اثر چرای مفرط، گونه *Artemisia sieberi* آن از بین رفته، *Peganum* جای آن را فراگرفته و در حال گسترش می‌باشد. ترکیب گونه‌ها شبیه اجتماع *Artemisia-Scariola* است که درمنه آن حذف شده باشد. مساحت این اجتماع ۱۳ هکتار است. فقط فهرست گونه‌ها تهیه شد.

اجتماع *Scariola orientalis*: در محل‌های مختلف پارک مستقر

است. مقدار رس رویشگاه این اجتماع تقریباً دو برابر رویشگاه درمنه است. شرایط در این رویشگاه برای استقرار درمنه و *Anabasis aphylla* مناسب نیست، و گونه اخیر به صورت نادر و پراکنده در این اجتماع دیده می‌شود.

اجتماع *Convolvulus-Bunium*: در ارتفاعات کلاه‌قاضی مستقر است و جزو اجتماعات کوه سری محسوب می‌شود. گونه‌های اصلی آن سه گونه *Convolvulus fruticosus*، *Convolvulus leiocalycinus* و *Convolvulus acanthocladus* بوده و گونه بعدی *Bunium caroides* است. به علت پراکنده بودن گیاهان، فقط فهرست برداری از گونه‌ها انجام گرفت.

اجتماع *Tanacetum lingulatum*: که در رویشگاه سنگلاخی و صخره سنگی مستقر است، و آب به صورت سیلاب به محل می‌رسد. این اجتماع آب‌دوست تراز دیگر اجتماعات است.

اجتماع *Ephedra*: در دشت، اجتماعات یکدست را تولید کرده و گاهی هم وارد دیگر اجتماعات می‌شود. گونه‌های مختلف و تعدادی در داخل این اجتماع فهرست برداری شدند. تعدادی از آنها به صورت نادر و اتفاقی در این اجتماع می‌رویند، که این گونه‌ها جزو اجتماعات اطراف است. گونه اصلی این اجتماع *Ephedra intermedia* است. گونه *Ephedra strobilacea* در پارک به صورت نادر می‌روید و اجتماعی تشکیل نمی‌دهد.

اجتماع *Ebenus stellata*: که جزو رویش خلیج و عمانی (۴) است. در روی صخره سنگ‌های گرم و داغ مستقر می‌گردد، و شبیه‌گون بوده، دارای گل‌های زیبا با شاخه‌های خاردار است. این اجتماع غنی از گونه است، و گونه‌های زیادی هم به صورت گونه‌های نادر اجتماع ظاهر می‌گردند. مهم‌ترین اجتماع آن عبارت است از:

اجتماع *Ebenus-Amygdalus*: در ارتفاعات و بر روی صخره سنگ‌ها مستقر شده، هر کدام از این دو گونه، اجتماعی در رویشگاه‌های مختلف ایجاد کرده است. تنوع گونه‌ای این اجتماع بسیار زیاد بوده و اکوتون مناسبی در ارتفاعات ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا به وجود آورده است. گونه‌های اجتماع *Ebenus* قسمت صخره سنگ‌ها، و گونه‌های اجتماع

در منطقه وجود دارد، که به علت پراکنده بودن آنها در سطح پارک و سطح محدود آنها، و نیز ناچیز بودن تاج پوشش گیاهی از توضیح بیشتر خودداری گردید.

طبق این بررسی، و با توجه به اجتماع و تراکم جمعیت گونه‌های گیاهی، گونه‌های کمیاب پارک را که جمعیت بسیار محدودی دارند، می‌توان به شرح ذیل معرفی کرد:

Lycium depressum, **Ephedra strobilacea*, *Phragmites australis*, **Ficus sp.*, *Allium minutiflorum*, *Marsdenia erecta*, *Linum album*, *Dendrostellera lessertii*.

این گونه‌ها در طی این مطالعه، فقط در یک یا دو نقطه پارک مشاهده شده و جمعیت آنها بسیار محدود است. البته باید اشاره کرد که بجز گونه‌هایی که با علامت ستاره (*) نشانه گذاری شده، بقیه ممکن است در بیرون از پارک، جمعیت نسبتاً مناسبی داشته باشند و فقط در داخل پارک، گونه نادرند. اما دو گونه ستاره‌دار، جزو گونه‌های کمیاب محسوب می‌گردند، به خصوص گونه *Ficus sp.* که احتمال دارد «اندمیک» منطقه باشد.

سپاسگزاری

از اداره کل حفاظت محیط زیست اصفهان، به خاطر تأمین هزینه طرح، و از همکاری آقایان مهندس مصطفی قلی نوری و دکتر جمال صاحبی به خاطر همکاری در شناسایی نمونه‌های گیاهی، و مهندس احمد مختاری، مهندس مجید ایروانی و مهندس مصطفی درویش پوریان برای همکاری در عملیات صحرائی سپاسگزاری می‌شود.

است و به صورت اجتماعات مختلف غنی و فقیر از گونه دیده می‌شود. تیپ فقیر از گونه در اثر تجمع رسوبات سیلابی و شورتر شدن اراضی گونه‌ها تقلیل یافته است. برای استقرار اجتماع، EC خاک باید پایین باشد (۱۲)، که در خاک‌های شنی اتفاق می‌افتد.

اجتماع *Scariola-Acantholimon*: یکی از اجتماعات گونه *Scariola* است که در کوه پایه‌ها مستقر می‌شود. چون محل رویشگاه سه گونه *Acantholimon* است (به اجتماع آن مراجعه شود)، لذا با آنها ترکیب می‌گردد.

اجتماع *Scariola-Artemisia*: که دو گونه اول و دوم آن به وفور در پارک گسترده است. در این رویشگاه با توجه به وضعیت موزاییک خاک که دارای بافت شنی و نیز خاک لومی شنی است، هر دو گونه به اتفاق در کف آبراهه‌ها و مسیل‌ها سبز می‌شوند.

اجتماع *Stipa spp.*: یا دو گونه *Stipa barbata* و *Stipa parciflora* مشخص می‌شود، که در روی صخره سنگ‌ها تاج پوشش ضعیف ایجاد می‌کند. کوادرات گذاری انجام نشد.

اجتماع *Zataria-Melica*: در آبراهه‌های سنگلاخی کوهستان مستقر می‌گردد. گونه اصلی آن *Zataria multiflora* و گونه دوم آن *Melica jacquemontii* است.

اجتماعات گیاهان آب دوست که در اطراف چشمه سارها دیده می‌شوند. در مساحت‌های محدود چند صد متر مربع استقرار یافته‌اند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به اجتماعات زیر اشاره کرد: *Salix sp.*, *Cyperus sp.*, *Juncus sp.* و *Phragmites australis* چند اجتماع کوچک و پراکنده دیگر هم

منابع مورد استفاده

- آریاوند، ا. ۱۳۷۵. بررسی مقدماتی اجتماعات گیاهی مناطق حفاظت شده کلاه قاضی واقع در جنوب غربی اصفهان (ایران). مجله زیست‌شناسی ایران ۲ (۱): ۷-۳۰.
- آریاوند، ا. ح. فتح پور، م. ت. معینیان و م. ر. محسن پور. ۱۳۷۴. بررسی وضعیت گونه‌های نادر جانوری و گیاهی استان اصفهان. اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان (گزارش چاپ نشده). ۳۲۲ صفحه.
- بصیری، م. ۱۳۷۴. گونه‌های گیاهی و جانوری استان اصفهان. اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان (گزارش چاپ نشده). ص ۶۷ و ۱۱۷.

۴. جوانشیر، ک. ۱۳۵۵. اطلس گیاهان چوبی ایران. انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی. ص ۶۴-۶۶.
۵. خواجه الدین، س. ج. و م. بصیری. ۱۳۶۸. فهرست گیاهان هر باریوم دانشکده کشاورزی منطقه مرکزی. دانشگاه صنعتی اصفهان (گزارش چاپ نشده). ۱۸۷ صفحه.
۶. خواجه الدین، س. ج.، س. سلطانی کوپایی و م. درویش پوریان. ۱۳۷۷. نقشه پوشش گیاهی پارک ملی کلاه قاضی. اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان (گزارش چاپ نشده). ۱۵۲ صفحه.
۷. شاردن، ژ. ۱۳۵۴. سیاحت نامه شاردن (ترجمه محمد عباسی). جلد دهم، مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.
۸. قهرمان، ا. ۱۳۷۵. نمایه نام‌های علمی ۲۰۰۰ گیاه در فلور رنگی ایران. ج ۱۶-۱. مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع (جهاد سازندگی). ۲۵۴ صفحه.
۹. کریمی، م. ۱۳۶۶. گزارش آب و هوای مرکزی ایران (استان‌های چهارمحال و بختیاری، اصفهان و یزد)، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان. ۹۷ صفحه.
۱۰. لطیفیان، م. ح. ۱۳۷۰. پناهگاه حیات وحش کلاه قاضی. سازمان حفاظت محیط زیست. ۵۲ صفحه.
۱۱. مبین، ص. ۱۳۷۵-۱۳۵۹. رستنی‌های ایران، فلور گیاهان آوندی. انتشارات دانشگاه تهران (۴ جلد).
۱۲. مسلمی، م. ر. ۱۳۷۶. بررسی رابطه پوشش گیاهی و خاک با استفاده از روش اوردیناسیون در پارک ملی کلاه قاضی اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی منابع طبیعی - مرتعداری، دانشگاه تربیت مدرس. ۱۰۶ صفحه.
۱۳. ورزبوم. ۱۳۶۸. مطالعات تفصیلی طرح جامع احیا و توسعه کشاورزی و منابع طبیعی بخش غربی (زیر حوزه‌های شمالی و جنوبی) از حوزه آبخیز شرق جازموریان. جلد ۳، مرتع. وزارت کشاورزی. ص ۹-۲۰.
14. Goodall, D. W. and R. A. Perry. 1979. Arid-land Ecosystems: Structure, Functioning and Management. Cambridge University Press., Cambridge, Vol 1 & 2.
15. Kershaw, K. A. 1964. Quantitative and Dynamic Plant Ecology. Edward Arnold Ltd., London.
16. Khajeddin, S. J. 1995. A survey of the plant communities of the Jazmorian, Iran, using Landsat MSS data. Unpublished Ph. D. Thesis, University of Reading.
17. Kuchler, A. W. and L. S. Zonneveld. 1988. Vegetation Mapping. Kluwer Academic Publishers Group. The Netherlands.
18. Ministry of Industrial & Mine of Iran. 1978. Geological Map of Isfahan on Scale of 1/250000. Ministry of Industrial & Mine Geological Survey of Iran. 1 sheet map.
19. Moore, P. D. and S. B. Chapman. 1989. Methods in Plant Ecology. Blackwell Scientific Publications, Oxford.
20. Muller-Dombois, D. and H. Ellenberg. 1974. Aims and Methods of Vegetation Ecology. John Wiley & Sons, New York.
21. Ter Braak Cajo. J. F. 1988. Manual of the CANOCO Software. Scientia Publishing, Budapest.